

که از آن انتظار بازانديشی درباره عدالت را داشته باشیم، اما انتظار تأکید بر اهمیت آن منطقی است، همان‌گونه که فارابی در زمانه خود کم‌وبیش چنین کرسی‌ای را ایجاد کرد و بر فراز آن نشست، اما فراموش نکرد که در نظریه‌ای که برای احصا و بازتعریف علوم طرح می‌کند یا در تعریفی که برای علم مدنی و عقل عملی پیش می‌کشد، بر جایگاه عقل عملی بالفعل و بازانديشی در کنش‌های مبتنی بر عقل عملی تأکید کند و تجربه‌های حاصل از آن را یکی از دو رکن علم مدنی بداند. رهایی و اعطای از کنکاش‌های مفهومی درباره عدالت و ارجاع به ارتکاز، فارغ از پذیرش یا عدم پذیرش نظر او، کوشش ارزشمندی برای نشان دادن بی‌اهمیتی یا کم‌اهمیتی مفهوم‌شناسی عدالت است؛ باین حال احیای کنکاش نظری و عقلی در خصوص عدالت، که بی‌شک یکی از تأثیرات کتاب بازانديشی عدالت اجتماعی بر مخاطبان آن است، این نگرانی را برجسته می‌کند که فضای اندیشه‌ورزی در مورد عدالت آکنده از تدقیق‌های نظری و کنکاش‌های عقلی شود و در نتیجه جا برای بررسی و بازانديشی تجاربی که از قضا بیشترین تأثیر را در برآمدن عقب‌ماندگی در عدالت داشته است، بیش از پیش تنگ شود.

پیامد انتزاع «بازانديشی عدالت اجتماعی» از زیست‌بوم‌فکری

این نوشته در جاهایی که به متن کتاب بازانديشی عدالت اجتماعی نزدیک می‌شد، بیشتر بر فصل نخست این کتاب متمرکز بود. دیگر فصل‌های کتاب نیز اهمیت و قابلیت بررسی دارند که این نوشته مجال برای چنین کاری ندارد. آن‌قدر هست که بتوان گفت تردید و تردد لحن نگارش کتاب بین سبک تحلیلی و قاره‌ای و در نهایت رجحان سبک تحلیلی از جانب مؤلف باعث شده تا ارزش‌های کتاب ذیل انتزاع آن از زیست‌بوم فکری و فرهنگی نادیده گرفته شود. به دلیل همین انتزاع از زیست‌بوم فکری است که به عنوان نمونه در مبحث چرایی عدالت، به رغم ارجاع مکرر به حسن ذاتی عدل و قبح ذاتی ظلم، محقق هیچ اصراری ندارد پایگاه فکری خود را بازخوانی این اصل مهم در سنت فکر اسلامی و دیگری‌ها آن قرار بدهد. گویی برای محقق هیچ اهمیتی ندارد که نگرش ذاتی بودن عدل چگونه در دوره کنونی به دست رقیبانی در اندیشه اسلامی، در سطح تئوریک و رتوریک تخریب می‌شود، و از دل ویرانی این نگرش چگونه یک نواشعری‌گری ویرانگر عدل، و البته عقل، در حال برخاستن است. به دلیل همین انتزاع از همین زیست‌بوم فکری و اینکه حتی در لبه‌های سیال و فرهنگی تاریخی نیز کتاب به عینیت‌های اجتماعی و فکری ارجاع نمی‌دهد، به احتمال زیاد نه فقط بر کنش‌های معطوف به عدالت که حتی با پژوهش‌های راجع به عدالت اجتماعی نیز ارتباط برقرار نکند. ▶

پی‌نوشت

۱. «ما دهه چهارم انقلاب را دهه پیشرفت و عدالت نامگذاری کردیم و پیشرفت به معنای واقعی کلمه در کشور اتفاق افتاده است؛ عدالت را نمی‌گوییم؛ در مورد عدالت ما عقب‌مانده هستیم؛ در این تردیدی نیست؛ خودمان اعتراف می‌کنیم، اقرار می‌کنیم، در دهه پیشرفت و عدالت بایستی هم در پیشرفت موفق می‌شدیم، هم در عدالت؛ در پیشرفت به معنای واقعی کلمه موفق شدیم، واقعاً پیشرفت کردیم و در همه زمینه‌ها پیشرفت اتفاق افتاده است؛ [اما] در زمینه عدالت، باید تلاش کنیم، باید کار کنیم، باید از خدای متعال و از مردم عزیز عذرخواهی کنیم. در مورد عدالت مشکل داریم و این‌شاء‌الله با همت مردان و زنان کارآمد و مؤمن، در این ناحیه هم پیشرفت خواهیم کرد.» (مقام معظم رهبری، ۱۹ بهمن ۱۳۹۶)

منابع

۱. تراب‌زاده جهرمی، محمدصادق، سیدعلی‌رضا سجادی، حسین سرآبادانی و علی مصطفوی، نظریه اسلامی عدالت اجتماعی؛ تقریری از منظر متفکران دینی معاصر، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۹.
۲. سروش محلاتی، محمد، دین و عدالت، تهران: کویر، ۱۴۰۰.
۳. سیدمن، استیون، کشاکش‌آرا در جامعه‌شناسی، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نی، ۱۳۸۶.
۴. غلامی، رضا، واکاوی نظریه عدالت در تفکر اسلامی، تهران: آفتاب توسعه، ۱۴۰۰.
۵. میرزاقری، سیدمحمد مهدی، گفتمان عدالت؛ مناسبات عدالت و بایسته‌های عدالت‌خواهی، قم: تمدن نوین اسلامی، ۱۴۰۰.
۶. عارله، ساجده و رضا نواح، بازانديشی؛ کنکاش‌آرا در آنتونی‌گیدنز و میشل فوکو (تبارشناسی بازانديشی در عصر مدرن)، غرب‌شناسی بنیادی، ۱۲۹۰-۱۲۹۱، ۱۳۹۸.
۷. گیدنز، آنتونی، بی‌آمد‌های مدرنیت، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: مرکز، ۱۳۹۰.
۸. واعظی، احمد، از نظریه عدالت تا لیبرالیسم سیاسی، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۶.
۹. واعظی، احمد، نقد و بررسی نظریه‌های عدالت، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۸.
۱۰. واعظی، احمد، مطهری و عدالت، قم: ندای فطرت، ۱۳۹۸.
۱۱. واعظی، احمد، بازانديشی عدالت اجتماعی؛ چینی، چرایی، قلمرو، قم: مؤسسه بوستان کتاب با همکاری دانشگاه باقرالعلوم علیه‌السلام، ۱۴۰۱.